

بسم الله الرحمن الرحيم

والحمد لله القاصم الجبارين



اندیشکده قرار

تبدیل تهدیدها به فرصت‌ها یکی از اهداف اصلی مقاومت است. فهمیدن این فرصتی که در دل تهدیدها نهفته است، نیاز به مطالعاتی علمی، روش‌مند و در عین حال هدفمند و با دغدغه دارد. مطالعاتی ساختاریافته که به دنبال رسیدن به هدفی مشخص در میدان باشد، از پرداختن بیش از اندازه به کلیات و تحلیل‌های بدون مستندات دقیق اجتناب کند، محدودیت‌های میدانی را بشناسد و از اطناب آکادمیک اجتناب کند. اندیشکده قرار تلاش دارد این نیاز حیاتی جبهه مقاومت را برطرف سازد و به محلی برای همگرایی مطالعات ساختاریافته و هدفمند در زمینه مقاومت و استعمار در منطقه غرب آسیا تبدیل شود.

داماد ترامپ چطور به حلقه اتصال

میان پول سعودی و صنعت فناوری اسرائیل تبدیل شد؟

جرد کوشنر با در اختیار گرفتن کرسی بزرگ‌ترین سهامدار یکی از مهم‌ترین هولدینگ‌های حاکمیتی اسرائیل، عملاً بر سر سفره‌ای نشسته است که تعیین می‌کند صدها میلیارد دلار از صندوق‌های بازنشستگی شهروندان اسرائیلی به کدام سمت هدایت شود.

پس از پایان دوره اول ریاست‌جمهوری دونالد ترامپ در سال ۲۰۲۱، جرد کوشنر دست به تاسیس شرکت سرمایه‌گذاری خصوصی «افینیتی پارتنرز» (Affinity Partners) زد. هدف اعلام‌شده این شرکت، سرمایه‌گذاری در بازارهای نوظهور فناوری و ایجاد «کریدور سرمایه‌گذاری» میان اسرائیل و کشورهای خلیج فارس اعلام شد.

عربستان را باید اصلی‌ترین حامی این کوشنر در این مسیر دانست. صندوق سرمایه‌گذاری حاکمیتی سعودی در سال ۲۰۲۲ مبلغ ۲ میلیارد به «افینیتی پارتنرز» تعهد سرمایه‌گذاری هدیه داد (نیویورک تایمز^۱). به واسطه کوشنر نخستین سرمایه‌گذاری غیرمستقیم سعودی‌ها بر روی فناوری اسرائیلی رقم خورد و شرکت افینیتی بر روی دو استارت‌آپ هایتک محرمانه اسرائیلی سرمایه‌گذاری کرد (وال‌استریت ژورنال^۲). رسانه‌های اسرائیلی گزارش دادند که در این سال حداقل ۱۳-۱۵ استارت‌آپ اسرائیلی به دنبال جذب سرمایه از کوشنر بودند^۳.

به دنبال آن در سال ۲۰۲۴ نیز قطر (صندوق سرمایه‌گذاری حاکمیتی) و امارات (صندوق سرمایه‌گذاری Lunate) با حمایت ۱.۵ میلیارد دلاری از شرکت کوشنر حجم سرمایه آن را به حدود ۵ میلیارد دلار رساندند (رویترز^۴). به دنبال این هدایا از سوی دوستان عرب، فوربز^۵ در ۲۰۲۴ برآورد کرد که میزان سرمایه شخصی کوشنر به حدود ۱ میلیارد دلار رسید و در مقایسه با قبل از ورود او به عرصه سیاست در ۲۰۱۷ رشدی ۱۸۰ درصدی داشت.

^۱ <https://www.nytimes.com/2022/04/10/us/jared-kushner-saudi-investment-fund.html>

^۲ <https://www.wsj.com/world/middle-east/jared-kushners-new-fund-plans-to-invest-saudi-money-in-israel-11651927236>

^۳ <https://www.calcalistech.com/ctechnews/article/skdk4vm9#:~:text=The%20fund%20will%20hold%20meetings%20in%20Israel%20with%2013%2D15%20companies%20in%20which%20it>

^۴ <https://www.reuters.com/business/finance/kushners-affinitys-assets-jump-48-billion-after-gulf-cash-injection-2025-03-28/>

^۵ <https://www.forbes.com/sites/giacomotognini/2024/11/03/why-jared-kushner-will-become-a-billionaire-no-matter-who-wins/>

اما به قدرت رسیدن مجدد ترامپ فعالیتهای تجاری کوشنر بیشتر شد. او در سپتامبر ۲۰۲۵ با مشارکت ایلا د گیل (سرمایه‌گذار و کارآفرین برجسته اسرائیلی آمریکایی در حوزه فناوری)، لویس ویدجگرای (وزیر امور خارجه سابق مکزیک) بر روی استارت‌آپ Brain Co سرمایه‌گذاری کردند. هدف این استارت‌آپ ایجاد واسطه میان سامانه‌های پیشرفته هوش مصنوعی و کاربردهای عملیاتی آنها برای سازمانها و نهادهای بزرگ بود (فوربز).^۶

در همین سال شرکت کوشنر نقش مهمی در خرید شرکت الکترونیک آرتز (EA) توسط سعودی‌ها ایفا کرد؛ این شرکت یکی از بزرگترین شرکتهای بازیسازی دنیا محسوب می‌شود و شرکت کوشنر در نهایت مالک ۱۱.۱٪ از این شرکت شد.

به دنبال تحقیقات نماینده دموکرات کنگره آمریکا جیمی راسکین مشخص شد که شرکت کوشنر در آوریل ۲۰۲۶ معادل ۶.۶ میلیارد دلار سرمایه دارد و تنها در سال ۲۰۲۵ توانسته ۱.۲ میلیارد دلار به چنگ آورد (کنگره آمریکا).^۷ این حجم از تداخل منافع شخصی و دیپلماتیک، باعث شده تا دموکرات‌های کنگره، از جمله جیمی راسکین، خواستار تحقیق و تفحص درباره احتمال نقض قوانین فدرال آمریکا و تضاد منافع در سیاست‌گذاری‌های کاخ سفید در قبال خاورمیانه شوند

اما راهبردی‌ترین سرمایه‌گذاری شرکت کوشنر را باید در ورود جدی او به بازار اسرائیل دانست. کوشنر با خرید سهام هولدینگ فونیکس بود که نقشی مهم در اقتصاد و صنعت مالی اسرائیل پیدا کرد. این هولدینگ بزرگترین صندوق‌های بیمه در اسرائیل است که مدیریت صندوقهای بازنشستگی و بیمه عمر نهادهای مختلف حاکمیتی اسرائیل را برعهده دارد. شرکت کوشنر در ۲۰۲۴ در چند مرحله حدود ۱۰ درصد از سهام این هولدینگ را خریداری کرد و به بزرگترین سهامدار این غول مالی اسرائیل تبدیل شد.

کوشنر همچنین به خرید ۱۵ درصد از سهام هولدینگ خانواده اشملتز به ارزش ۱۱۰ میلیون دلار اقدام کرد (کالکالیست).^۸ خانواده اشملتز (یا هولدینگ شلومو) یکی از قدرتمندترین الیگارشی‌های اسرائیلی هستند که در

^۶ <https://www.forbes.com/sites/giacomotognini/2025/09/10/jared-kushners-new-startup-helps-businesses-figure-out-how-to-use-ai/>

^۷ <https://democrats-judiciary.house.gov/media-center/press-releases/ranking-member-raskin-opens-sweeping-investigation-into-us-special-envoy-for-peace-jared-kushner-s-foreign-entanglements-and-staggering-conflicts-of-interest>

^۸ <https://en.globes.co.il/en/article-jared-kushner-builds-a-middle-east-business-empire-1001503692#:~:text=This%20investment%20joins%20the%20purchase%20of%2015%25%20of%20the%20shares%20of%20the%20Schmeltzer%20family%27s%20holding%20company%20C%20which%20Kushner%2027s%20private%20equity%20fund%20C%20Affinity%20Partners%20C%20acquired%20a%20year%20ago%20for%20%24110%20million.%20And%20it%20seems%20that%20Kushner%20isn%27t%20going%20to%20stop%20there.>

حوزه‌های مختلف مانند املاک، فناوری، بیمه و حمل‌ونقل فعالیت می‌کنند. هولدینگ شلومو ارتباط مهمی با ارتش اسرائیل دارد و یکی از تامین‌کنندگان اصلی ناوگان خودروهای سبک و سنگین برای ارتش و نهادهای امنیتی به حساب می‌آید. زیرمجموعه‌های مهم هولدینگ شلومو شامل شرکتهای مهمی مانند تادیران (Tadiran)، شرکت کشتی‌سازی اسرائیل (Israel Shipyards) می‌شود. این هولدینگ به جز اراضی اشغالی در آلمان و رومانی نیز حضور گسترده‌ای دارد (تایمز اسرائیل^۹).



سرمایه‌گذاری کوشنر در فونیکس، یک سرمایه‌گذاری غیرمستقیم اما بسیار مؤثر در صنایع حساس اسرائیل است. فونیکس به عنوان یک سرمایه‌گذار نهادی بزرگ، کنترل بسیار زیادی بر روی نهادهای مهم اسرائیلی دارد. برطبق ادعای سایت رسمی، کنترل ۲۱۵ میلیارد دلار سرمایه در اختیار این هولدینگ است. فونیکس سهامدار مهم شرکتهایی چون الکترا (۶.۳۷٪)، لسیکو (۷.۱۱٪) و بانکهای مانند دیسکانت (۷.۶٪)، بانک لئومی (۷.۴۲٪) و بانک هاپوئل (۷.۳۳٪) و شرکت البیت (۵٪) است. به عبارت دیگر کوشنر از طریق این هولدینگ، به کل ستون فقرات اقتصاد اسرائیل دسترسی دارد. این هولدینگ همچنین از پروژه‌های شهرک‌سازی حمایت می‌کند و خدمات متعددی به ارتش و پلیس اسرائیل اعطا می‌کند. هولدینگ فونیکس علاوه بر این در حوزه فناوری اسرائیل نقش مهمی دارند و در سبد سرمایه‌گذاری آن شرکتهایی مانند چک‌پوینت و پاپایا (Papaya) قرار دارد. باید در نظر داشت نفوذ خانواده کوشنر به این هولدینگ به منزله گره خوردن کامل شبکه مالی آنها با زیرساختهای اقتصادی اسرائیل است.

به تازگی کوشنر در یک مانور مالی بخشی از سهام خود (۳٪) در این هولدینگ را به فروش رساند و سودی معادل ۳۴۳ میلیون دلار به دست آورد که به منزله بازگشت سرمایه اولیه به علاوه سود ۲۰۰ میلیون دلاری به علاوه در اختیار

^۹ <https://www.timesofisrael.com/jared-kushners-saudi-backed-private-equity-fund-clinches-first-investment-in-israel/>

داشتن ۷.۴ درصد از سهام (همچنان بزرگترین سهامدار) است (گلوبز^{۱۰}). برای بعضی‌ها ثروتمند شدن انگار مقوله بسیار راحتی است.

در همین راستا کوشنر را باید حلقه مهم میان فناوری اسرائیلی و سرمایه عربی با مدیریت آمریکایی دانست. او همزمان با فعالیت به عنوان فرستاده ویژه ریاست‌جمهوری آمریکا و نقش‌آفرینی در پرونده‌های مهمی نظیر مذاکرات با ایران، وظیفه هدایت سرمایه به دست آمده از نفت کشورهای عربی به سوی بازار اسرائیل را به پیش می‌برد.

عمده سرمایه‌گذاری‌های شرکت کوشنر بر روی استارت‌آپ‌های اسرائیلی همچنان محرمانه باقی مانده است اما حضور پررنگ او در هولدینگ فونیکس و هولدینگ شلومو به او این قدرت را می‌دهد که بدون دخالت مستقیم در تقریباً همه حوزه‌های اقتصادی اسرائیل نقش‌آفرینی کند. کوشنر با در اختیار گرفتن کرسی بزرگ‌ترین سهامدار در هلدینگ فونیکس، عملاً بر سر سفره‌ای نشسته است که تعیین می‌کند صدها میلیارد دلار از صندوق‌های بازنشستگی شهروندان اسرائیلی به کدام سمت هدایت شود. وقتی فونیکس تصمیم می‌گیرد سهام شرکت‌های دفاعی مانند "البیت سیستمز" (تولیدکننده پهپادها و سامانه‌های جنگ الکترونیک) یا "الکترا" (پیمانکار اصلی سامانه‌های گنبد آهنین) را افزایش دهد، این سرمایه‌های خلیجی هستند که از طریق کانال کوشنر، مستقیماً چرخ‌دنده‌های صنعت نظامی اسرائیل را روغن‌کاری می‌کنند. به عبارت دیگر، کوشنر تنها یک سهامدار نیست؛ او به "توزیع‌کننده اصلی نقدینگی" برای زیرساخت‌های امنیتی اسرائیل تبدیل شده است.^{۱۱}

دیگر نیاز به توضیح نیست که چرا باید اساساً پیمان آبراهام و پروژه‌های سیاسی از این دست را نه صرفاً اقداماتی راهبردی و ژئوپلیتیک بلکه اهرم‌هایی برای کسب درآمد و جذب سرمایه الیگارشها و حلقه‌های قدرت در آمریکا دانست. در حالی که در کشور ما برخی ترامپ و نزدیکانش را سالهاست تاجرانی معرفی کرده‌اند که خصلت دلالی آنها باعث می‌شود بتوان با آنها معامله کرد، تجربه مذاکرات متعدد و بررسی دقیق فعالیتهای اقتصادی این افراد نشان می‌دهد وقتی این افراد و هولدینگ‌هایشان اساساً بر بستر ساختار جنگی و تداوم تنش با ایران درآمدزایی کرده‌اند، ما شاهد نوعی «تجاری‌سازی ابزار دیپلماتیک» از سوی ایالات متحده هستیم که اساساً با هدف مدیریت سطح تنش فعلی و مقدمه‌چینی برای تنش‌های بیشتر طراحی شده است. تا زمانی که سیاست خارجی آمریکا به دست تاجرانی اداره می‌شود که مستقیماً از چرخ‌دنده‌های این ماشین جنگی سود می‌برند، هرگونه توافق یا مذاکره تنها فصل جدیدی از یک معامله تجاری برای آنها خواهد بود.